

مصدق بی نهایت کیست؟ آیا پاسخی برای میل بی نهایت طلبی انسان وجود دارد؟

Mentazer Mentazer

مصدق بی نهایت در عالم کیست، ما عاشق چه چیزی هستیم؟

چند میلیارد لازم داری تا به تمام آرزوهایت برسی؟ احتمالاً با این پرسش لیستی از آرزوها در ذهن شما هم شکل گرفته است، اما آیا سقفی برای این آرزوها وجود دارد، یا درست زمانی که نقطه پایان لیست بلندبالایمان را می گذاریم، بلافاصله آرزو و خواسته دیگری به ذهنمان می رسد؟

انگار در این دنیا هیچ نهایی برای خواسته هایمان وجود ندارد، هیچ چیز ما را قانع نمی کند و هیچ مصداق بی نهایی برای آرزوهای بی نهایت ما نیست. به همین دلیل است که بی نهایت طلب بودن انسان نیازی به اثبات ندارد. کافی است هر کس نگاهی به خودش و آرزوهایش بکند، تا این گذاره را بپذیرد.

بی نهایت طلبی در تمام شئون زندگی ما حضور دارد، وارد هر حرفه ای که می شویم، می خواهیم در آن بهترین باشیم. حتی اگر مدال طلای المپیک را کسب کنیم، به فکر رکورد در تعداد آن می افتیم. خیال ما مدام در حال سیر کردن بین خواسته هایی است، که نمی توان پایانی برای آن ها تصور کرد. میل بی نهایت طلبی ما اگر کنترل نشود و در مسیر رسیدن به مصداقی حقیقی قرار نگیرد، بسیار خطرناک خواهد بود؛ چون همان طور که در درس های گذشته اثبات کردیم، بی نهایت طلبی امری فطری است و ما در این میل نامحدودیم، یعنی میل ما به خواستن بهترین ها هرگز متوقف نمی شود، در نتیجه اگر این میل در مسیر درست خود قرار نگیرد، یا تمامی عمر ما را در دویدن برای دستیابی به اهداف تازه هدر می دهد و یا پس از رسیدن به بهترین های عالم ماده سرخورده و افسرده خواهیم شد. پس بزرگ ترین سوال زندگی ما این است؛ مصداق بی نهایت در جهان چیست و چگونه می توان به آن رسید؟

Mentazer Mentazer

بی‌نهایت‌طلبی در مسیری نادرست

ما هیچ کس را صرفاً به خاطر غذا خوردن، ازدواج کردن، یا میل به زیبایی سرزنش نمی‌کنیم؛ چون پذیرفته‌ایم که این‌ها امیال درونی همه ما هستند، اما رفتار کسی که نمی‌تواند دست از غذا خوردن بکشد، پادشاهانی که برای خود حرمسرا ترتیب می‌دادند و یا کسی که مدام زیر تیغ جراحی می‌رود تا چهره‌اش زیباتر شود، برای ما قابل پذیرش نیست. در واقع این افراد هم در حال پاسخ دادن به میل خود هستند؛ پس چرا ما یک‌جا ارضای امیال را مجاز و طبیعی می‌دانیم اما در حالت دیگر زشت و غیرقابل قبول؟

درست است که همگی این امیال از وجود ما سرچشمه می‌گیرند، اما در واقع هر کدام خاستگاه و منشاء متفاوتی دارند. میل به غذا خوردن یکی از نیازهای بخش مادی وجود ماست و طبیعتاً باید آن را با مادیات پاسخ دهیم. اما اشتباه ما این‌جاست که خاستگاه و منشاء میل بی‌نهایت‌طلبی‌مان را هم ماده دانسته‌ایم و سعی کرده‌ایم این میل را با امکانات مادی پاسخ دهیم؛ درحالی‌که اصولاً چنین چیزی امکان‌پذیر نیست.

زمین با همه گستردگی و فراخی‌اش، با همه تنوع در موجودات و پدیده‌هایش، توان پاسخگویی به حس بی‌نهایت‌طلبی انسان را ندارد. زیرا جهانی که ما می‌بینیم، مادی و محدود است؛ اما حس بی‌نهایت‌طلبی ما منشایی غیرمادی و نامحدود دارد و هر عقل سلیمی می‌پذیرد که محدود نمی‌تواند پاسخگوی نامحدود باشد.

اگر ما به دنبال راضی کردن حس بی‌نهایت‌طلبی‌مان در زمین باشیم، فقط خودمان را خسته و فرسوده کرده‌ایم و تا زمانی که این میل را از راه و در جایگاه خودش برطرف نکنیم، عطش بیشتر خواستن در وجودمان هرگز فروکش نخواهد کرد.

یک باور نادرست

شاید شما هم با کسانی برخورد کرده باشید، که برای چند نسل در منطقه‌ای زندگی کرده‌اند و آن قدر از اخلاق و رفتار و آداب و رسوم مردم آنجا تأثیر پذیرفته‌اند؛ که حتی با لهجهٔ مردم محلی آن منطقه صحبت می‌کنند؛ اما ویژگی‌های ظاهری‌شان فریاد می‌زند، که اهل جای دیگری هستند. حکایت ما انسان‌ها و زمین هم چنین حکایتی است. نسل در نسل اینجا زندگی کرده‌ایم و به شرایط زندگی در زمین خو گرفته‌ایم، به قدری زیاد که اصلاً فراموش کرده‌ایم، بومی زمین نیستیم و از یک وجود بی‌نهایت منفک شده‌ایم، متعلق به جای دیگری هستیم و قرار است در پایان نیز به همان‌جا برگردیم.

میل ما به بی‌نهایت میلی غیرمادی است. اما ما به قدری با بدن مادیمان انس گرفته‌ایم، که اساساً خودمان را چیزی به جز ماده تصور نمی‌کنیم و تلاش می‌کنیم که تمام نیازها و امیال‌مان را هم از این راه مادی پاسخ دهیم. در واقع فراموش کرده‌ایم که مصداق بی‌نهایت را در عالم محدود مادی نمی‌توان پیدا کرد و برای برطرف کردن این میل باید به دنبال یافتن مصداق بی‌نهایت در عالمی بزرگ‌تر باشیم.

شکوفایی میل به بی‌نهایت

تفاوت کاکتوس در بیابان‌های قارهٔ آمریکا را با کاکتوس کوچکی پشت پنجره اتاقتان در نظر بگیرید. کاکتوس گیاه بومی امریکاست و در آن منطقه به طور خودرو رشد می‌کند و در شرایط آب و هوایی آنجا قدش به چندین برابر قد انسان هم می‌رسد. حتی گل‌های بسیار زیبایی می‌دهد. گیاهی که ما در گلدان‌های کوچکمان به عنوان کاکتوس نگه می‌داریم، بیشتر شبیه به نمونه مینیاتوری این درخت است. شاید اگر هیچ اطلاعی از آن سوی کره زمین نداشتیم، پتانسیل رشد کاکتوس را از چند سانت فراتر نمی‌دانستیم، حتی ممکن بود هرگز متوجه نشویم که این گیاه توانایی گل دادن هم دارد.

وقتی چیزی بومی یک منطقه نیست، بسیار راحت قابل تشخیص است. ویژگی‌هایی از خود نشان می‌دهد که او را از سایر هم‌ردیفانش جدا می‌کند. ممکن است که از بعضی جهات هرگز نتواند خودش را با محیط جدید هماهنگ کند، یا بعضی از ویژگی‌هایش هیچ‌وقت به طور کامل بروز پیدا نکنند. ما انسان‌ها هم بومی زمین نیستیم و حس بی‌نهایت‌طلبی‌مان را از زمین نداریم. این میل در فطرت ما وجود داشته و با امکانات زمینی هرگز شکوفا نمی‌شود.

اگر از حس بی‌نهایت‌طلبی‌مان آگاه نباشیم، غایتی که برای خود در نظر می‌گیریم، همین دنیاست؛ در نتیجه برای ارضا کردن این احساس سعی می‌کنیم در هر چیزی بهترین شویم و وقتی به نهایت چیزی که می‌خواستیم رسیدیم، به شاخه‌ای دیگر می‌رویم. درحالی‌که خاستگاه بی‌نهایت‌طلبی ما از ابتدا بی‌نهایت بوده و مصداق بی‌نهایت‌طلبی ما تنها در محیط بی‌نهایت پیدا می‌شود. همان‌طور که فقط آب قدرت برطرف کردن حس تشنگی ما را دارد، فقط بی‌نهایت است که می‌تواند میل بی‌نهایت‌طلبی انسان را آرام نماید.

اثبات شهودی وجود داشتن بی‌نهایت یا کمال مطلق

گفتیم که میل بی‌نهایت‌طلبی در تمامی انسان‌ها وجود دارد و در درس‌های قبل این مسأله را از نظر عقلی و نظری بررسی کردیم، اما عشق ما به بی‌نهایت امری فطری و ذاتی است، همه ما طالب کمال مطلق و مطلق کمال هستیم، امری فطری و ذاتی که بر اساس خصوصیات طلب می‌توان آن را اثبات کرد. همان‌طور که در قوانین طلب آموختیم:

1. کمال مطلق وجود دارد.

2. ما با کمال مطلق سنخیت داریم.

3. ما ظرفیت درک کمال مطلق را داریم.

4. ما نسبت به کمال مطلق شناخت داریم.

5. قبلاً با کمال مطلق همزیستی داشته‌ایم، که اکنون درکش می‌کنیم. یعنی مزه مطلق بودن و بی‌نهایت بودن را چشیده‌ایم. به همین دلایل است که انسان از محدودیت‌های زندگی در زمین راضی نیست. و همواره خواستار بیشتر و بیشتر و بیشتر از تمامی امکانات است. این یک امر شهودی است و هرکس با کمی تفکر در درون خود به درستی آن پی می‌برد. عشق به کمال مطلق و بی‌نهایت یک امر علمی و حاصل کسب اطلاعات نیست، بلکه ذاتی و یقینی انسان است. ما عاشق کمال مطلق و مطلق کمالیم و در نتیجه خود نیز بی‌نهایت هستیم، چون تنها بی‌نهایت است که ظرفیت بی‌نهایت را دارد و محدود هرگز نمی‌تواند بی‌نهایت را طلب کند.

مصدق بی‌نهایت در جهان

مصدق بی‌نهایت حقیقی از لحاظ عقلی تنها یکی است؛ چون اگر بی‌نهایت بیشتر از یکی باشد، محدود است و دیگر بی‌نهایت نخواهد بود؛ این مصداق واحد را «الله» می‌نامیم. بی‌نهایت بودن خدا بالقوه نیست؛ چون بالقوه بودن یک چیز به معنای داشتن توانمندی برای کسب کمالی است که هنوز شکوفا نشده. کمال بالقوه کمالی است که ناقص و محدود است و به سوی رشد در حرکت است؛ در حالی که خدا یا الله چنین نیست. خدا منشاء و مظهر تمامی کمالات است و هر چه در عالم هستی هست از وجود او پیدا شده. (در این باره در کلاس‌های پیشرفته صحبت خواهیم کرد.)

«الله» معشوق حقیقی همه ماست، حتی اگر از منظر اعتقادی به او باور نداشته باشیم، در تمامی لحظات زندگی رسیدن به او را طلب می‌کنیم. تمامی تلاش‌ها و حرکت‌های ما نتیجه میل ما به دستیابی به بی‌نهایت یا کمال مطلق است. الله مصداق بی‌نهایتی است که ما عاشق به دست آوردن آنیم. همان حقیقت بی‌نهایتی که وجود دارد، همه کمالات را دارد و محدود نیست،

فقط یکی است و همه موجودات دیگر را به وجود آورده است و چون نفس ما برآمده از همین بی نهایت است؛ روحیه بی نهایت طلبی دارد، همیشه به دنبال اصل خویش می گردد و تا به او نرسد آرام نمی گیرد.

شادی و آرامش ابدی

منشاء میل بی نهایت طلبی بخش فوق عقلانی وجود ماست. بخش های پایین تر وجود ما به تبعیت از این بخش میل به بی نهایت دارند. در واقع حس بی نهایت خواهی ما در هر بخش و قوه ای جز فوق عقل چیزی جز دردسر نمی آفریند. میل بی نهایت طلبی در بخش های دیگر وجود ما مدام ما را از شاخه ای به شاخه دیگر می کشاند و شادی و آرامش مان را سلب می کند. درست مثل کودکی که مدام بهانه می گیرد، اما خودش هم دقیقاً نمی داند چه می خواهد.

اگر به بخش فوق عقلمان درست رسیدگی کنیم و حس بی نهایت طلبی اش را با مصداق بی نهایت مطلق راضی کنیم؛ بخش های پایین تر وجودمان هم به آرامش می رسند؛ در نتیجه اگر میل بی نهایت طلبی در جای خودش پاسخ داده شود، آرامش به وجود ما باز خواهد گشت.

در این مقاله گفتیم که پایانی برای خواسته های انسان وجود ندارد. میل بی نهایت طلبی ما خاستگاهی غیرمادی دارد؛ در نتیجه امکانات مادی دنیا هرگز نمی توانند پاسخگوی آن باشند و قرار گرفتن این میل بی نهایت در مسیر هریک از خواسته ها و امیال مادی فقط، شادی و آرامش را از ما سلب خواهد کرد. دانستیم که شکوفایی میل به بی نهایت تنها در محیط بی نهایت امکان پذیر است. و بی نهایت مطلق تنها پاسخ مناسب برای این میل غیرمادی ماست.

برای رفع هر نیازی که در خود احساس می کنیم، پاسخ یا مصداقی در خارج از وجود ما هست که می تواند خواسته ما را تأمین کند. به عنوان مثال نیاز گرسنگی و تشنگی به وسیله غذا و آب برطرف می شود. مصداق خارجی بی نهایت طلبی ما هم کمال و وجود مطلق است که در زبان عربی به آن الله می گویند. همه انسان ها بدون استثناء عاشق الله هستند. اما این عشق از کجا نشأت گرفته است؟

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer